

غفلت و احتیاج

بقلم جناب آقای سید محمود خیری

معلم محترم مدرسه امید در قزوین

افراد يك ملت و اهالی يك مملکت همانطوریکه میتوانند بواسطه سعی و کوشش و صحت عمل و نشر علوم و فضایل و پی بردن بوظایف و تکالیف انفرادی و اجتماعی و اتفاق با یکدیگر خود را باعلا درجه ترقی و تعالی رسانیده و سایل راحت و اسایش خود و هموعهای خویش را فراهم ساخته در میان سایر دول و ملل حیه عالم با کمال مناعت و شرافت سر افراز و مفتخر زندگانی کنند همینطور هم ممکن است جاهل و تن آسا بار آمده جهل و خرافات را شعار و نفاق را پیشه سازند و بر ضد منافع خود و يك جامعه رفتار نمایند یعنی عاری از هر گونه صفاتیکه لازمه هر یکفرد از افرادیست که در یکجامعه زندگانی میناید باشند. برای تحصیل معاش خود انواع و اقسام خیل را بسکار برده تزویر را شیوه خود سازند. اوقات خود را صرف افعال بیهوده و بی اساس نموده و حتی در مشاغل رسمی فقط ظاهر و صورتی از کارها بعمل آورده رفع تکلیف نمایند نه ادای وظیفه. بواسطه ارتکاب بافعال و اهمال غیر مشروع ما بحتاج و لوازم زندگانی خود را فراهم هر چه از برای راحتی آنها خلق شده علاوه براینکه استفاده از آن ننموده موجب زحمت و مشقت خود دانند و بالاخره باندازه سست و بی عزم

باشند که مرگ و بدبختی را در جلو چشم خود مشاهده نموده در صد چاره بر نیایند و يك عمر در ذلت و مسكنت زندگانی نموده رفع بدبختی نمایند. بدیهی است از یکچنین ملتی که اگر از انصاف نگذریم خودمان هستیم چه توقعی میتوان داشت!

با این رخوت و سستی و نداشتن علم و عمل و فاقد بودن ما محتاج خود و احتیاج شدید با جانب در فراهم نمودن تمام و سایل راحتی و زندگانی امروزه که در ما پیدا شده علاوه بر اینکه در میان سایر دول ملل حیه عالم مقامیرا برای خود احراز نخواهیم کرد که سهل است اگر چاره برای بدبختی خود نپندیشیم محکوم بقنا و عدم خواهیم شد.

زندگانی امروز علم و عمل لازم دارد. خرافات و موهومات، منع ترقیات نسوان و سلب حقوق بشریت از آنها خفه نمودن احساسات دو ثلث از جمعیت يك مملکت و مانع شدن از رشد اجتماعی آنان را نمی پسندد.

زروبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
وقتی که باطراف خود نظر می افکنیم ملل و دول جدید التاسیمی می بینیم که تا این اواخر مغلوب سیاست دیگران بوده یعنی از خود استقلال کامل و اختیارات تامی نداشته و فرسنگها از تمدن امروزه عالم دور بودند و در نتیجه وضعیات سیاسی عالم در جنگ بین الملل همینکه استقلال پیدا کردند و خود را از زیر چنگال اجانب رها دیدند در اندک مدت قدمهای بزرگی بطرف ترقی و تعالی برداشته و مهما ممکن رفع احتیاجات خود را از اجانب نموده حیات اقتصادی خود را محفوظ داشته، خرافات و موهومات را دور انداخته، زنان را

که عضو مهم جامعه بشریت هستند بوسیله ایجاد مدارس تشکیل
بجامع کنفرانسها و غیره قابل و مستعد همه قسم ترقیات نموده از
وجود آنها استفاده کامل مینمایند و عنقریب در ردیف ممالک معظمه
خواهند در آمد و پهلو به پهلو ی دول اول عالم خواهند زد .

پر واضح است که با این قدمهای کوچک سست ولززان که ما بر
میداریم و جریان و سریان تمدن امروزه را در مملکت خود بسیر
طبیعی و تدریجی خود گذاشته موانع و سدهای ترقی را از جلو
بفوریت بر نمیداریم هیئات هیئات است که باین زودبها بدیدگران
بر سیم و بتوانیم در میان دول و ملل حیه عالم اظهار حیات کنیم .

چنانچه دول عثمانی (ترکیه سابق) که تا سنوات جنگ عمومی
دنیا نظر بمحافظه کاری و ملاحظه کاری اولیای امور و نشکستن
سدهای ترقی و قائل بودن بسیر طبیعی و تدریجی تمدن اروپائی
در مملکت خود و جلو گیری از ترقیات فوق العاده نسوان و سبب
حقوق بشریت از آنان و متابعت بعض خرافات و موهومات مملکت
با عظمت عثمانی را که بزرگترین و مقتدر ترین ممالک اسلامی بود در
ظرف ده پانزده سال اخیر دچار بحران نموده و در نتیجه جنگهای
ایتالیا و بالکان قسمت عمده متصرفات اروپائی و افریقائی خود را
از دست داده و بالاخره در جنگ عمومی با وجود استقامتی که
بخرج دادند بکلی محکوم بقنا و عدم گردیدند خلافت و سلطنت ال
عثمان محدود و در نتیجه منفرد گردید و ممالک وسیع عثمانی هر
قسمتش مورد حمله و تاخت و تازیکی از دول بزرگ و کوچک اروپا
واقع شد .

در صورتیکه دولت عثمانی قبل از جنگهای اخیر از حیث وسعت جمعیت ، اوضاع سیاسی ، اقتصادی و کثرت افراد نظامی هیچ طرف مقایسه با ایران آنروز و بلکه ایران امروزه نبود . بعلاوه سیاستیکه سلاطین عثمانی نظر بداشتن مقام خلافت بخرج اجانب میدادند و عموم مسلمانهای عالم را در انظار دیگران تابع و مطیع خود قلم میدادند باین واسطه همواره برابرت و عظمت خودمی افزودند مع ذلك بواسطه نداشتن تمدن کامل آنروزه عالم و در نتیجه برداشتن قدمهای کوچک نسبت بدیگران که شاید همان قدمهای کوچک آنها در آنروز از قدمهای امروزه مابراتب بزرگتر بوده و هرکس که کاملاً از جغرافیای سیاسی ، طبیعی و اقتصادی آن مملکت در سنوات قبل از جنگ مستحضر بوده میداند که از همه حیث بر امروزه ما برتری داشتند یعنی وضعیت فلاحت و تجارتشان بمراتب از ایران بهتر و بیشتر بود تقریباً هفت هشت هزار کیلومتر راه آهن در ممالک خود کشیده بودند بعضی کارخانجات خوب داشتند ، نظام اجباری هم در مملکتشان معمول و مدارس نظام بری و بحری متعدد و کشتی های جنگی معتبر داشتند بود چه معارف و سایر وسایل ترقی و تمدن آنها بمراتب بیش از امروزه ما بود بطوریکه در تمام مراکز ایالات و ولایات وغالب شهرها مدارس صنعتی ، حقوق ، دار المعاین دار المعدات رشدی و ابتدائی متعدد داشتند باهمه اینها بواسطه عقب ماندن از دیگران مملکت کوه پیکر اسلامی دستخوش اجانب گردید و میرفت که بین دول و ممالک ضعیف و قوی اروپا تقسیم گردد که جانبازی جوانان غیور ترکیه که در نتیجه این کشمکشها از خواب غفلت بیدار شده بودند و عزم

ثابت و اراده قوی پیشوای آنها حضرت مصطفی کمال پاشا تمام آن سر زمین ، از لوٹ خرافات و موهومات باک و جهل و تعصب بیجا و منع ترقی نسوان که سالها در سر تا سر ترکیه مانند ایران امروز حکمفرما بود برانداخت و در ظرف پنجسال اخیر باندازه پنجاه سال سلاطین آل عثمان دولت ترکیه را ترقی داد و وسائط ترقی ملل و دول غرب را اختیار نمود و ترکان را حیاتی تازه بخشید و در ترقیات امروزه نظیر دولت ژاپون که در شرق اقصای عالم واقع گردیده در شرق نزدیک مقام مهمی را حائز گردید . ترکیه امروز دارای صنایع و کارخانجاتیست که عنقریب در غالب ما محتاج امور و زندگانی خود را از اجانب مستغنی می بیند . توسعه هواپیمائی ، ایجاد طرق و شوارع ، کشیدن خط آهن ، استخراج معادن که با یکسرعت تمام جلو میرود روز بروز بر ترقیات آنان می افزاید و در نتیجه بیداری از خواب غفلت و رفع احتیاجات خود و بسیاری از جهات عدیده دیگر عنقریب در ردیف دول اول عالم خواهد در آمد ولی ما هنوز غافل و به پنجه قضا و قدر و اوضاع کوکب نگرانیم .

پروفسور کاد علوم انسانی و مطالعات تربیتی
رتال جامع علوم انسانی

از قزوین سید محمود - خیری

معلم مدرسه امید